

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

داکتر سید بهاء الله عبادی

همبورگ - 25 جنوری 2013

تأیید از ملک الشعرائی استاد اسیر

سالهاست که از جور رژیمهای ضد ملی و ضد انسانی در وطن عزیزم، یار و دیار را ترک گفته و در المان مسکن گزیده ایم. به مانند خانم عزیزم، رشته طب را در پوهنتون کابل خوانده و اکنون در یکی از شفاخانه های بسیار مجهز شهر همبورگ مشغول کار میباشم. دوستی دارم، بسیار ظریف و بذله گوی، که همیشه همراهش در تماس میباشم. او هر بار که مرا میبیند، پیش از سلام علیکی میگوید:

«دنیا ره خوردی و آخرته بُردی!»

(دنیا را خوردی و آخرت را بُردی)

وقتی این وجیزه خودساخته و طنزگونه را که از "خورد و بُرد" سخن میگوید، بار اول بزبان آورد، طالب تفسیر گشتم. گفت:

«منظورم اینست، که در دنیا الحمد لله زندگانی مرفه و آرام داری و در آخرت هم سرنوشتت معلوم است، که چشم پُت به بهشت میری (میروی).»

آن دوست فکر کرده که خدمات ناچیز طبی من و امثال من، باعث خواهد شد که چشم پُت رهسپار بهشت شویم. این دوست بی همتا که خداوند عمر نوح برایش عطاء فرماید، صفات خوب بسیار دارد. یکی از این صفات اینست که وی عاشق شعر است و اشعار را فوق العاده عالی دکلمه میکند. همین دوست عزیز بود که از پیشنهاد وبسایت «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و نامزدی استاد اسیر برای مقام ملک الشعرائی براریم قصه کرده و یکی از اشعار بسیار زیبای

وطني استاد را که در همین وبسایت نشر شده است، با آواز غرّا قرائت نمود. این شعر آنقدر بر من تأثیر کرد، که اگر هرگز از استاد اسیر و اشعار عالی شان شناخت هم نمیداشتم، فقط با شنیدن همین یک غزل، رأی خود را نثار استاد میکردم. خداوند عمر دراز و به صحت و عافیت نصیب استاد عزیز ما نماید که ازین اشعار سرشار از محبت وطن، باز هم و باز هم بسرایند و دل و دماغ شعردوستان و وطنخواهان را تازه فرمایند.